

کاوه تیموری

چهار مقاله عروضی سمرقندی

خط استاد کیخسرو خروش

نشر کانون هنر ایران



چهارمقاله عروضی کتابی آشناست و به‌ویژه برای خوشنویسان، کاتبان و دبیران (نویسندگان)، که عنوان مقاله اول آن «در ماهیت دبیری و کیفیت دبیرکامل و آنچه تعلق بدین دارد» خواندنی است. با این حال وجه اصلی این کتاب در این معرفی مختصر، نگاهی به کتابت یکدست و پخته استاد کیخسرو خروش می‌باشد که در صفحات سیزده سطری با طول ۹ سانت سامان یافته و به احتمال زیاد قلم نگارش آن بزرگتر از اندازه چاپ شده می‌باشد. خروش یکی از خوشنویسان پیشگام و تأثیرگذار در هنر خوشنویسی است. خروش به عنوان حلقه واسط و مروج نسل جدید خوشنویسان پس از انقلاب، به سبک استاد حسین میرخانی بوده و می‌توان اذعان کرد که این بزرگوار در روش کاری و با انتخاب قلم کتابت به عنوان کانون اصلی آثار خود و هم‌چنین

شاگردپروری موفق، عملکرد و نقش هنری استاد حسین میرخانی(ره) را ایفا کرده است. حتی بسیاری از شاگردان استاد حسین میرخانی تکمیل و تکامل خط خود را در کلاس استاد خروش دنبال کرده‌اند. وی به عنوان چهره‌ی ماندگار هنر خوشنویسی در سال ۱۳۸۶ معرفی شدند و به لحاظ کیفیت و حجم آثار کتابتی می‌توان نامبرده را یکی از خوشنویسان مطرح به شمار آورد. کتابت دیوان حافظ استاد خروش یکی از آثار مهم عرصه‌ی خوشنویسی است که تاکنون بالای ۳۰ بار با شمارگانی قابل توجه به طبع رسیده و اخیراً نیز توسط انجمن خوشنویسان در قطع رحلی و با تذهیب شکیل چاپ شده است.

آداب المشق باباشاه اصفهانی (۱۳۵۳)، رباعیات خیام (۱۳۶۰)، مثنوی پیر و جوان (۱۳۶۱)، سفرنامه خسرو قبادیانی (۱۳۶۱)، دیوان حافظ نگارش دوم (۱۳۸۰)، وصیت‌نامه امام (ره) (۱۳۶۸)، گلاب و اشک (۱۳۸۰)، خسروشیرین (۱۳۶۴)، یوسف و زلیخا جامی (۱۳۶۳)، لیلی و مجنون (۱۳۶۵) از اهم آثار استاد می‌باشد.

استاد خروش کتابت را رکن اصلی خوشنویسی می‌داند و معیار و ملاک ارزیابی کار یک خوشنویس را در آینه آثار کتابتی وی به شمار می‌آورد. الحق والانصاف باید گواهی داد که برخورد ایشان با هنر خوشنویسی همواره یک برخورد هنرمندانه بوده و هیچ‌گاه نیاز بازار موجب نشده که به نگارش آثار مشتری پسند بپردازد. بسیار از متون و کتاب‌های وی در نهایت آرامش و با تأنی به نگارش درآمده و همین ویژگی باعث شده که مراتب کمال و پختگی خط استاد به ظهور برسد. مایه و زیربنای شیوه‌ی خروش علاوه بر تأثیر مستقیم از شیوه‌ی مرحوم استاد حسین میرخانی گرایش و کشش قابل توجهی به عمادالکتاب و کلهر دارد و بین کتابت ایشان و کتابت کلهر در سفرنامه خراسان می‌توان رگه‌های تشابه را یافت.

ایستایی و عمود نگاری مؤلفه‌ها، الگوبرداری در کلمات کشیده‌ی «هر» یا «هنر»، اتصالات و مواصلات بین اجزای کلمات و از همه مهم‌تر حُسن ترکیب وی در استقرار حروف و کلمات نشان می‌دهد که روح خط عمادالکتاب در مافی الضمیر و نهانگاه هنر خوشنویسی خروش حضوری قابل توجه دارد.

کتابت شیوای چهارمقاله نیز این ویژگی‌ها را در بر دارد. نگارش بی‌تکلف متن، ایجاد نیم‌مدها و کشیده‌های زیبا، فاصله‌گذاری‌های سنجیده و حساب شده از ویژگی‌های این کتابت ارزشمند است که در آنها ظرافت و زیبایی حرف اول را می‌زند و جمع همین ویژگی‌ها است که خواننده با دیدن خط و خواندن متن به یک احساس آرامش می‌رسد و می‌تواند ارزش زیباساختی و بصری خط خوش نستعلیق را درک نماید و بدیهی است برای خوشنویسان جوانی که می‌خواهند سلوک هنری خود را عمق ببخشند، این نمونه‌ها به عنوان بهترین الگو می‌تواند ایفای نقش کند. در عین حال باید به این نکته توجه داشت که نقش و کارکرد این زمانی کتابت در روزگار ما چیست؟ زیرا عرصه گسترده دنیای مجازی، و گستردگی و سرعت سیستم‌های رایانه‌ای در کتابت آثار، چه ضرورتی را برای کتابت با قلم نی در روزگار ما باقی می‌گذارد؟ به‌طور حتم این سرفصل‌ها می‌تواند انگیزه‌ای برای رونق مباحث نظری در عرصه‌ی کتابت باشد.